



A Comparative Study of the Value System of Women in Islam and Western Culture (Based on the Views of Orientalists and the Quranic Ideology of His Eminence, Ayatollah Khamenei)*

Baqer Riahi Mehr ¹ and Ali Abbasnia ²

Abstract



The status of women's values in the Islamic religion is highly emphasized, particularly in Islamic sources, especially the Quran. The Quranic ideologies of Imam Khamenei (May Allah Prolong His Life) in the realm of the value system of women, as an interpreter, scholar, and leader of Shia Muslims worldwide, hold significant importance. However, the position of women, their rights, and their freedoms is also a challenging and debatable issue in human societies, both in the West and the East. Therefore, clarifying the status of women's values in Islam and the Quran concerning women's position in Western culture, relying on the views of Orientalists and the Quranic ideology of Imam Khamenei (may he be preserved), holds substantial importance in revitalizing the actual position of women in human societies. This research was conducted using a descriptive-analytical method, aiming to clarify the status of women's values in Islam and Western culture (based on the views of some Orientalists and the Quranic ideology of His Eminence "may he be preserved"). The research findings include: 1. Equality and parity in principle and creation in Islam and its comparison with Western culture; 2. Equality in human rights in Islam and its comparison with Western culture; 3. Equality in the value system and responsiveness in Islam and its comparison with Western culture.

Keywords: Western Culture, Women in Islam, Imam Khamenei (May Allah Prolong His Life), Amina Wadud, Simone de Beauvoir, Ruth Roded.

*. **Date of receiving:** 02/07/2023; **Date of correction:** 16/10/2023; **Date of approval:** 17/11/2023.

1. Assistant Professor in the Quran and Orientalists Department, Quran and Hadith Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author): dr.riahi@chmail.ir.

2. Ali Abbasnia: PhD Candidate of Quran and Orientalists, Quran and Hadith Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran: mshiite@gmail.com.



بررسی تطبیقی نظام ارزشی زن در اسلام و فرهنگ غرب (با تکیه بر اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری)*

باقر ریاحی مهر^۱ و علی عباس نیا^۲



چکیده

جایگاه ارزشی زن در دین اسلام، جایگاه والایی است که اهمیت آن در منابع اسلامی، خصوصاً قرآن ذکر شده است. اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در حوزه نظام ارزش زنان، به‌عنوان یک مفسر و اندیشمند و رهبر مسلمانان شیعی در جهان تشیع حائز اهمیت است؛ اما یکی از مسائل چالشی و بحث‌برانگیز در جوامع بشری که در غرب و شرق مطرح است، جایگاه زن و حقوق و اختیارات اوست؛ بنابراین تبیین جایگاه ارزشی زن در اسلام و قرآن در مقابل جایگاه زن در فرهنگ غرب با تکیه بر آراء مستشرقان و اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، دارای اهمیت فراوانی در جهت احیای جایگاه واقعی زن در جوامع بشری دارد. پژوهش حاضر نیز با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین جایگاه ارزشی زن در اسلام و فرهنگ غرب، با تکیه بر آراء برخی مستشرقان و اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱. تساوی و برابری در اصل و خلقت در اسلام و تطبیق آن با فرهنگ غرب؛ ۲. تساوی در حقوق انسانی در اسلام و تطبیق آن با فرهنگ غرب؛ ۳. تساوی در نظام ارزشی و هدایت‌پذیری در اسلام و تطبیق آن با فرهنگ غرب.

واژگان کلیدی: فرهنگ غرب، زن در اسلام، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، آمنه و دود، سیمون

دوبووار، روث رادد.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۸/۲۶.

۱. استادیار گروه قرآن و مستشرقان، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول):
dr.riahi@chmail.ir

۲. دانشجوی دکتری رشته قرآن و مستشرقان، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران:
mshiite@gmail.com



۱. مقدمه

جایگاه زن در قرون مختلف، بحثی بسیار چالشی و اختلافی بوده است. در قرن حاضر نیز، جایگاه زن در ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف بسیار بحث‌برانگیز بوده است و موجب شده است که گروه‌های مختلفی، با شعارهای متفاوتی دربارهٔ زن، پا به عرصه اجتماع گذاشته، تعریف خاصی از زن ارائه بدهند، همان‌گونه که در حال ترویج شعار «زن، زندگی، آزادی» با محوریت فرهنگ غرب در ایران اسلامی هستند؛ لذا نگارنده، پژوهش در این عرصه را نیاز محسوس جامعه اسلامی دانسته و اقدام به پژوهش در این زمینه کرده است.

برای بیان جایگاه زن در نظام ارزشی اسلام در آینه قرآن و روایات و اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، لازم است که به دوران قبل از ظهور اسلام نگرست که زنان، دارای پایین‌ترین ارزش و جایگاه انسانی و اجتماعی بودند و از حقوق قطعی خود همچون حق مالکیت و ارث محروم بودند و همانند کالایی خرید و فروش می‌شدند. به‌گونه‌ای که «روشنفکران عرب، زن را در شمار حیوانات قرار داده، از همین رو آنان را جزء لوازم و اثاث زندگی می‌شمردند. در سایه همین عقیده، این مثل: «وإنما أمهات الناس أوعية؛ مادران حکم ظروف را دارند که فقط برای جای نطفه آفریده شده‌اند»، در میان آنان رواج کامل داشت.» (سبحانی، فروغ ابدیت، ۱۳۸۵: ۴۶). همچنین دختردارشدن نیز برای عرب جاهلی امری غیرقابل‌پذیرش و موجب سرافکنندگی بود، به‌گونه‌ای که آنان از شدت غم دختردارشدن، آن را در بدو تولد، زنده به گور می‌کردند؛ لذا در این زمینه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ، يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ (نحل/ ۵۸ - ۵۹). قرآن کریم این عمل ناشایست آنان را چنین بیان می‌کند: ﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ﴾ (تکویر/ ۸)؛ «روز قیامت روزی است که از دختران زنده به گور شده سؤال می‌شود.» (تکویر/ ۴۴).

لذا «زن» (در نظر اقوام پیش از امت اسلام) هیچ‌گونه استقلال و آزادی نداشته، نه در اراده و نه در اعمالش، بلکه در همه شئون زندگی اش تحت قیمومیت و سرپرستی بوده و هیچ کاری را از پیش خود قطعی نمی‌کرده، و حق مداخله در هیچ شأنی از شئون اجتماعی را نداشته است (نه در حکومت، نه در قضاوت و نه در هیچ شأنی دیگر).» (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۸: ۳۹۶/۲).

گوستاو لوبون (Gustave Le Bon) در کتاب «تاریخ تمدن اسلام و عرب» می‌گوید: «عصر جاهلیت، زن را مخلوقی می‌دانستند برزخ بین انسان و حیوان که فائده خلقت وی فقط تکثیر نسل و خدمت به مرد بود، و پیداشدن دختر برای زن موجب شئامت و بدبختی بوده است.» (لوبون، تاریخ

تمدن اسلام و عرب، ۱۳۱۸: ۵۲۹). در نهایت می‌توان گفت که زن در جامعه قبل از اسلام موجودی فاقد استقلال و آزادی بوده، در تمام شئون زندگی خود تحت سرپرستی دیگران بوده، از کسب مناصب اجتماعی، محروم بوده است؛ اما با ظهور اسلام و وضع قوانین جدیدی همچون حق ارث، مهریه و... جایگاه و شأنیت فردی و اجتماعی به زنان بخشیده شد. همان‌طور که خطبه پیامبر اکرم ﷺ در حجة الوداع نیز یکی از مستندات این امر است که در توصیه به مردان نسبت به زنان فرمود: «شما بر زنان خود حقی دارید و آنها هم بر شما حقی، درباره آنها سفارش به نیکی کنید؛ زیرا کمک و مددکار شما هستند... از آنچه خود می‌خورید به آنان بدهید و از آنچه خود می‌پوشید بر آنان بپوشانید.» (ابن حزم، حجة الوداع، ۱۴۲۹: ۳۱۸).

اما زن در عصر جاهلیت نه تنها در تمدن اعراب، بلکه در اقوام و تمدن‌های هم‌عصر اعراب جاهلی و قبل از آن نیز، دارای جایگاه بسیار پایینی بوده است، به‌گونه‌ای که ویل دورانت در کتاب «لذات فلسفه» می‌گوید: «تا حدود سال ۱۹۰۰ زن کمتر دارای حقی بود که مرد ناگزیر باشد از روی قانون آن را محترم بدارد. در قرن نوزدهم زنان آفریقا هنوز مانند بردگان و آلات کشاورزی خرید و فروش می‌شدند. در تاهیتی (Tahiti) و نوبریتین، زنان مجبور بودند که خوکان را از پستان خود شیر دهند. در مری انگلند، شوهر حق داشت زنش را بزند و مادام که زن از زیر کتکش نیمه‌جان بیرون می‌آمد، مرد از تعقیب قانون درامان بود. اگر زن پولی جمع می‌کرد متعلق به شوهرش بود. اگر زن در عروسی مالی به خانه می‌آورد، مرد حق خرج آن را داشت؛ اما اینکه زن بتواند در کارخانه کار بکند و حق رأی در انتخابات داشته باشد، هرگز به خاطر هیچ مردی خطور نمی‌کرد.» (دورانت، لذات فلسفه، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

همچنین زن در فرهنگ غربی نیز موجودی واسطه‌ای و دست‌دوم و در خدمت مرد دانسته شده است که از حیث آفرینش ناقص و از جهت حقوقی نیز دارای پایین‌ترین درجه حقوقی بوده است، (رک، احمدی بیغش، ارزیابی جایگاه حقوقی زن در کنوانسیون‌های بین‌المللی بر اساس تفسیر تسنیم، ۵۱) به‌گونه‌ای که در واقع، استقلال و آزادی، دو واژه پرتکرار، ولی خلاف واقع و نامأنوس برای زنان در غرب است که البته عوامل مختلفی همچون آموزه‌های نادرست مسیحیت و یهودیت، اومانیسیم و انسان‌محوری، آزادی جنسی و... این اندیشه را فراهم آورده است؛ بنابراین می‌توان گفت که: «زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی، و در تعریف، غالباً غربی، به‌مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شود.» (خامنه‌ای و بانکی‌پور، الگوی زن، ۱۳۹۸: ۱۳۳).



لذا این پژوهش درصدد تبیین و تحلیل تطبیقی نظام ارزشی زن در اسلام و فرهنگ غرب (با تکیه بر آراء برخی مستشرقان و اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی») با روش توصیفی - تحلیلی است.

۲. پیشینه

پژوهش‌های مختلفی در حوزه زنان و فرهنگ غرب صورت گرفته است از جمله:

۱. «زبان، زنان و دوگانگی گفتمانی در اندیشه سیاسی روسو»، اثر: سیدخدایار مرتضوی، شهیندخت پاکزاد که در فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره نهم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. در مقاله مذکور، زن، زبان و اندیشه روسو درباره نابرابری جنسیتی تبیین شده و اینکه روسو با استفاده از زبان و تحت تأثیر عقده‌های روانی، به زنان موقعیتی پست و دور از شأن انسانی بخشیده است، مورد بررسی واقع شده است. مقاله مذکور هرچند در حوزه زنان و نابرابری جنسیتی آنان بحث کرده است، ولی فصل تمایز آن با پژوهش حاضر این است که آن فقط به دیدگاه روسو پرداخته است؛ ولی در اثر نگارنده، به بررسی جایگاه زن در اسلام در تقابل با فرهنگ غرب با بررسی دیدگاه اندیشمندان غربی، پرداخته است.

۲. «بررسی تطبیقی منزلت زن در الهیات فمینیستی و اسلام (مهدویت)»، اثر: آذر تاجور، سیاوش پورطماسبی که در پژوهش‌نامه طهورا، بهار و تابستان ۱۳۸۸، شماره ۳ به چاپ رسیده است. در مقاله مذکور به بررسی تطبیقی دو دیدگاه مهم الهیات در غرب و اسلام، خصوصاً دکتربین مهدویت پرداخته است و با شیوه توصیفی - تحلیلی، همه منابع و مراجع مرتبط با الهیات فمینیست و مهدویت در حوزه مذکور را بررسی کرده است. مقاله مذکور هرچند تقابل زن در الهیات فمینیستی و اسلام را بررسی کرده است، ولی وجه تمایز اثر مذکور در این است که مقاله مذکور جایگاه زن در الهیات فمینیستی و مهدویت را به صورت خاص بررسی کرده است، در صورتی که اثر نگارنده بررسی جایگاه زن در اسلام در تقابل با فرهنگ غرب با بررسی دیدگاه اندیشمندان غربی، با رویکرد قرآنی است.

۳. «بررسی و نقد مقاله زنان و قرآن»، اثر: مریم نوشین، محمدجواد اسکندرلو که در مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. مدخل «زنان و قرآن» (Woman and the Quran) که دکتر روت راد در دایره المعارف قرآن (EQ) نوشته است و وی در این مقاله از آیاتی که زنان و مردان را به سبب وظایف دینی مخاطب قرار داده، آغاز کرده است و به صورت مفصل در رابطه با خلقت و جایگاه معنوی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی زن بحث کرده و همچنین به تعداد زیادی از آیات که به زنان اشاره دارد و شأن نزول آنها به نقل از تفاسیر و روایات

پرداخته است و مقاله مذکور به ترجمه این مدخل پرداخته و آن را نقد و بررسی کرده است که وجه تمایز مقاله مذکور با اثر نگارنده در این است که مقاله مذکور فقط به ترجمه و نقد مدخل زنان و قرآن در دایرةالمعارف قرآن لیدن پرداخته و رویکرد آن نقد و بررسی مقاله مذکور بوده، ولی اثر نگارنده از حیث موضوع و دایره داده‌ها، جامعیتی در حوزه بررسی تطبیقی جایگاه زن در اسلام و فرهنگ غرب داشته و به بررسی حل آن موضوع پرداخته است.

۴. «گونه‌شناسی دیدگاه‌های شرق‌شناسان نسبت به پوشش زن مسلمان»، اثر: محمد سمیعی که در فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال شانزدهم، شماره ۶۳ «ویژه زن و خانواده»، تابستان ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. در مقاله مذکور، به تبیین مشترکات و تفاوت‌های رویکرد غربی (دیدگاه‌های خاورشناسان) نسبت به مسئله پوشش زن مسلمان در سه رویکرد: پیش از استعمار، استعمار و پس از استعمار پرداخته و نقد و بررسی کرده است.

مقاله مذکور هرچند دیدگاه‌های شرق‌شناسان را در حوزه زنان بررسی کرده است، ولی فقط در زمینه پوشش زن مسلمان به نقد و بررسی آراء آنان پرداخته شده است، در صورتی که اثر نگارنده به بررسی تطبیقی نظام ارزشی زن در اسلام و فرهنگ غرب پرداخته و در این راستا، به دیدگاه‌های مستشرقان نیز اشاره کرده است.

۵. «بررسی و پاسخ شبهه قرآن و فرهنگ مردگرایی از سوی مستشرقان»، اثر: سیداحمد هاشمی‌علی‌آبادی که در پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۸، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. مقاله مذکور به بررسی و تبیین شبهه متأثرشدن قرآن از فرهنگ زمانه، که قرآن‌گفتمانی مردانه را اتخاذ کرده است پرداخته و دلایلی را در پاسخ به این شبهه مطرح می‌کند؛ اما وجه تمایز مقاله مذکور در این است که آن فقط به بررسی شبهه قرآن و فرهنگ مردگرایی از سوی مستشرقان و پاسخ‌هایی در این حوزه پرداخته است؛ ولی اثر نگارنده به بررسی از حیث موضوع به صورت جامع‌نگرانه به بررسی تطبیقی ارزش زن در اسلام و فرهنگ غرب پرداخته و در این راستا به نظرات اندیشمندان غربی نیز پرداخته است.

۳. جایگاه ارزشی زن در اسلام

جایگاه ارزشی زن در اندیشه اسلامی، جایگاه والایی است که در منابع اسلامی، خصوصاً قرآن به آن اشاره شده است. به گونه‌ای که قرآن در طرح انسان‌شناسی و هدایتی خود، بین زن و مرد تفاوتی قائل نمی‌شود و زن و مرد بودن را مطرح نمی‌کند و امتیازی از جهت حیثیت و شرافت انسانی برای جنس مرد یا زن قائل نمی‌شود. لذا برابری و تساوی زن و مرد در منطق قرآن، دارای ابعادی می‌تواند باشد، از جمله:



یک. تساوی در اصالت و خلقت

از جمله مسائلی که در قرآن کریم بیان شده است، موضوع خلقت زن و مرد است. آیات متفاوتی نیز در این زمینه بیان و تفسیر شده است از جمله:

آیه ۱۷۲ سوره اعراف: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا﴾؛ و [به یاد آر] هنگامی را که پروردگارت از صلب بنی آدم نسلشان را پدید آورد، و آنان را [در ارتباط با پروردگاریش] بر خودشان گواه گرفت [و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟] انسان‌ها با توجه به وابستگی وجودشان و وجود همه موجودات به پروردگاری و ربوبیت حق [گفتند: آری، گواهی دادیم.] آیه مذکور «مسئله پیمان گرفتن از انسان بر ربوبیت پروردگار را ذکر می‌کند. این آیه دلالت دارد بر اینکه تمامی افراد بشر مورد این استشهاد واقع شده، و یکایک ایشان به ربوبیت پروردگار اعتراف کرده‌اند و ذیل آن و همچنین آیه بعدش یعنی جمله «أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» و جمله «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ» غرض از این اخذ و استشهاد را بیان می‌کند.» (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۸: ۳۹۹/۸ - ۴۰۲).

مسئله اخذ پیمانی که از بنی آدم بیان شده است، اخذ پیمانی است که از فرد فرد از افراد بنی آدم است بر ربوبیت پروردگار (ابن عاشور، التحرير و التنوير، ۱۴۲۰-۱۴۲۱: ۳۴۴) بدون لحاظ اختصاص این حکم به مردان فقط یا زنان. لذا «این نشئه پیمان‌گیری و صحنه اخذ میثاق، به‌عنوان بنی آدم نازل شده است، گرچه الفاظی که در این آیه به کار رفته است الفاظ مذکر است، ولی روشن است که عنوان آیه بنی آدم (فرزندان آدم) است و کلمه بنین در مقابل بنات (دختران) نیست؛ بلکه منظور فرزندان آدم است، نه پسران آدم. آیه می‌فرماید: در اخذ میثاق همه انسان‌ها «بلی» گفتند؛ یعنی عبودیت خود را مشاهده کردند و ربوبیت حق سبحانه و تعالی را با علم شهودی یافتند؛ نه اینکه با علم حصولی فهمیده باشند. این مقام والا مربوط به انسانیت انسان است، بدون دخالت مذکر و مؤنث.» (جوادی آملی، جمال المرأة و جلالها، ۱۴۲۱: ۱۸۰).

اما «انسان از نفسی واحد آفریده شده است: ﴿... الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ (نساء/۱)؛ او که شما را از نفسی واحد آفرید و همسر او را هم از او پدید آورد. واژه «زوج» در لغت هم شامل مرد است و هم زن. نفسی واحد وجود دارد که زوجیت، در همان دایره معنا و تجسم می‌یابد و پدیدآورنده وحدت در عین «کثرت» است. این نفس واحد همانطور که زن و مرد را در جلوه‌های جسمانی متفاوت ظاهر ساخته و این خود نشان‌دهنده قابلیت تنوع آن نفس است، همچنین می‌تواند

سلوک و رفتارهای متفاوتی را به نمایش بگذارد. در تکوین و آفرینش یک نفس آفریده شده است و هیچ دوگانگی در این زمینه به چشم نمی‌خورد.» (فقهی‌زاده و فضل‌الله، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، ۱۳۷۸: ۱۸) لذا زن و مرد دارای اصل و ریشه‌ای واحد در خلقت هستند که تفاوت و تمایزی که موجب برتری یکی بر دیگری شود، نیست.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز در تفسیر آیه ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا﴾ (روم/ ۲۱). می‌فرمایند: یعنی از جمله نشانه‌های قدرت الهی یکی این است که برای شما انسان‌ها، از نوع خودتان و از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را. از خودتان هستند؛ «من انفسکم»، جنس جداگانه‌ای نیستند، در دورتبه جداگانه نیستند؛ همه یک حقیقتند، یک جوهر و یک ذاتند (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

لذا زن و مرد دارای اصل و ریشه‌ای واحد در خلقت‌اند که تفاوت و تمایزی که موجب برتری یکی بر دیگری شود، نیست.

آیه ۱۳ سوره حجرات: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...﴾؛ «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.» برخی مفسران معنای آیه را این‌گونه بیان نموده‌اند: «هان ای مردم، ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم، پس هریک از شما انسانی هستید متولد از دو انسان، و از این جهت هیچ فرقی با یکدیگر ندارید، و اختلافی هم که در بین شما هست و شما را شعبه‌شعبه و قبیله‌قبیله کرده، اختلافی است مربوط به جعل الهی، نه به علت کرامت و فضیلت بعضی از شما بر بعضی دیگر، بلکه برای این است که یکدیگر را بشناسید و نظام اجتماعتان کامل شود.» (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۸: ۴۷۹/۱۸).

بر اساس آیه مذکور، تفاوت در خلقت موجب تفاخر و برتری نیست؛ اما خداوند متعال «همه بشریت را (چه مذکر و مونث) از نژادها و رنگ‌های مختلف فرامی‌خواند که آنها را به یک مبدأ واحد و به تعادل واحد برگرداند که توسط آن گروه برگزیده صعودکننده به آن افق رفیع انجام می‌شود (بر همین اساس می‌فرماید) ای مردم، ای کسانی که دارای نژادها و رنگ‌های مختلف، شعوب و قبائل مختلف هستید! شما اصالتی (واحد) دارید اختلاف نکنید، تفرقه نیاندازید، نزاع نکنید و تکه‌تکه نشوید. ای مردم، کسی که شما را به این ندا فرامی‌خواند، همان کسی است که شما را از مرد و زن آفریده است و شما را از این که قوم و قبیله نموده، آگاه نموده که این تضاد نیست؛ بلکه آشنایی و هماهنگی است. در مورد تفاوت زبان و رنگ و تفاوت خلق و خو و تفاوت استعدادها و آمادگی‌ها، تنوعی است که مستلزم



تعارض و اختلاف نیست؛ بلکه مقتضی همکاری برای انجام همه تکالیف و برآورده‌شدن همه نیازهاست. رنگ، جنسیت، زبان، کشور و معانی دیگر از این قبیل در ترازوی ارزشمندی خداوند هیچ حسابی ندارند.» (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۰۸-۱۹۸۸: ۶/۳۳۴۸)

بنابراین «قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده‌ایم.» (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام بی‌تا: ۱۱۷)

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز بر مبنای همین اندیشه قرآنی می‌فرمایند: «اسلام با نظر کرامت به زن نگاه می‌کند. همه خصوصیات انسانی میان زن و مرد مشترک است. یک انسان قبل از آنی که اتصاف پیدا کند به زن بودن، یا مرد بودن، متصف است به انسان بودن. در انسانیت، زن و مردی وجود ندارد، همه یکسانند. نگاه اسلام این است. خصوصیات جسمی ای خدای متعال در دو جنس قرار داده است.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱). لذا زن قبل اتصاف به زن و یا مرد بودن، انسان است و بنابر منطبق قرآنی، تمایز و تفاوتی با مردان ندارد و در حقیقت می‌توان گفت: «نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است.» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰)

تطبیق و تحلیل دیدگاه غرب

در مقابل تساوی و برابری زن و مرد در اصل و خلقت در اسلام، می‌توان دیدگاه مخالف آن را در فرهنگ غرب مشاهده کرد که نابرابری بین زن و مرد در فرهنگ غرب، در پژوهش‌ها و کنش‌های فردی و اجتماعی آنان کاملاً مشهود بوده و می‌تواند محصول باورها و آموزه‌های نادرستی باشد که ریشه تاریخی داشته است. مطالبی در کتاب مقدس وجود دارد که جایگاه دست‌دومی زن نسبت به مرد را در آفرینش نشان می‌دهد، برای مثال در آیه ۱۸ باب دوم کتاب پیدایش از کتاب مقدس آمده است: خداوند گفت: «خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق وی بسازم». در ادامه در آیات ۲۱ تا ۲۳ از همین باب، می‌گوید: «و خداوند خدا، خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد. و خداوند خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد و آدم گفت: همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم، از این سبب «نساء» نامیده شود زیرا که از انسان گرفته شد.» (سحایی، «ریشه‌یابی بحران زنان در غرب با تکیه بر آموزه‌های کتاب مقدس»، ۱۳۹۰: ۲۵۲).

باتوجه به این نوع نگاه واسطه‌ای به زن و این آموزه که وی به جهت خدمت به مرد خلق شده و خلقتش نسبت به مرد کامل نبوده؛ زیرا از استخوان و جزئی از مرد خلق شده است، امری بدیهی است که زنان یهودی و مسیحی که از خردسالی با این دسته از آموزه‌های کتاب مقدس مواجه می‌شوند، موجب شکل‌گیری چنین بینشی در آنان شود که جایگاه وجودی خود را نسبت به مردان پایین‌تر دانسته و احساس نوعی حقارت کنند که در روابط اجتماعی و خانوادگی آنان تأثیرگذار باشد و تعاملشان را با مردان، دستخوش تغییر قرار دهد، به‌گونه‌ای که تصور می‌کنند، مردان، آنان را موجودی حقیر دانسته و این امر نیز به جهت آفرینش آنان بوده است، لذا در وجود زنان ایجاد بحران‌هایی نموده که سرانجام، موجب ایجاد جنبش‌های فمینیستی شده است.

سیمون دوبووار که از سردمداران فمینیست است کتابی دارد با عنوان «جنس دوم» که انتخاب چنین عنوانی نیز بیانگر این بینش نادرست نسبت به زن بوده و برخواسته از آموزه‌های نادرست کتاب مقدس است. وی، زن را به‌عنوان موجودی دست‌دوم دانسته که وجود زن با مرد، سنجش می‌شود و در مقایسه آن دو، مرد صاحب امتیازات بسیاری است و در نتیجه زن، وابستگی به مرد دارد (دوبووار، جنس دوم، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۳).

همچنین وی می‌نویسد: «تومای قدیس اعلام می‌دارد که زن فقط موجودی «تصادفی» و ناقص و نوعی مرد نقص‌دار است. همچنین می‌نویسد: «مرد، سر زن است، همان‌گونه که مسیح سر مرد است». مسلم است که سرنوشت زن چنان تعیین شده که زیر سلطهٔ مرد زندگی کند. جانب رهبرش هیچ قدرتی به او داده نشده است.» (همان: ۱۶۰).

توماس آکویناس نیز به‌عنوان یکی از فیلسوفان غربی، زن را در مقایسه با مرد، موجودی ضعیف از نظر جسم، عقل و اراده، توصیف کرده و از لحاظ میل شهوانی، قوی‌تر از مرد می‌داند (دورانت، تاریخ تمدن، ۱۳۷۳: ۲۱۱/۴).

لذا تأثیر آموزه‌های مسیحیان و کتب مقدس را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل بحران خودتحقیری زنان، و ورود آن به فرهنگ غرب دانست. از طرفی برخی مستشرقان نیز همچون «روث رادد» در مقاله «زنان و قرآن»، برداشت نادرست خود از آیات قرآن نسبت به آفرینش زن را به جوامع غربی ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «مفهوم زن در قرآن بدون شک نمادی از یک موجود ضعیف، ناقص و منفعل است.» (Roded, "Woman and the Quran." Encyclopedia of the Qur'an, 2005, p. 524)



تحلیل انتقادی دیدگاه رادد

در نقد تحلیلی این جمله، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

نخستین نکته این است که رادد، مفهوم زن در قرآن را به یک مفهوم واحد تقلیل داده است. در واقع، قرآن دیدگاه‌های مختلفی دربارهٔ زنان ارائه می‌دهد. برخی آیات بر برابری زنان و مردان تأکید دارند. برخی دیگر، به نقش خاص زنان در خانواده و جامعه اشاره می‌کنند. و برخی دیگر، به ویژگی‌های خاص زنان می‌پردازند.

نکته دوم این است که رادد، برخی آیات قرآن را به صورت گزینشی تفسیر کرده است. او آیاتی را که به ضعف و ناقص بودن زنان اشاره دارند، برجسته کرده است؛ اما آیاتی را که بر قدرت و برتری زنان تأکید دارند، نادیده گرفته است.

نکته سوم این است که رادد، دیدگاه‌های خود را بر اساس ارزش‌های غربی شکل داده است. او معتقد است که زنان باید مانند مردان، در همه زمینه‌ها برابر باشند. این دیدگاه، یک دیدگاه غربی است که لزوماً با دیدگاه قرآن سازگار نیست.

بر اساس منابع اسلامی نیز، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد که نشان می‌دهد دیدگاه رادد، با آیات قرآن سازگار نیست:

آیات قرآن، بر برابری زنان و مردان در برابر خداوند تأکید دارند. در قرآن، آمده است: «ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبایل قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خدا، با پرهیزگاری‌ترین شماست.» (حجرات/ ۱۳)

آیات قرآن، به نقش خاص زنان در خانواده و جامعه اشاره دارند. در قرآن، آمده است: «زنان، مایه آرامش و آسایش برای مردان هستند و مردان مایه آرامش و آسایش برای زنان.» (روم/ ۲۱)

در مجموع می‌توان گفت که جمله رادد، انتقادی ناعادلانه و غیرمنصفانه به مفهوم زن در قرآن است. این انتقاد، بر اساس برداشتی ناقص و سطحی از آیات قرآن مطرح شده است. البته برخی مستشرقان دیگر همچون آمنه ودود نیز با نگاه منصفانه در زمینه آفرینش و با اشاره به آیه ۱ سوره نساء، و تبیین معنای واژه «نفس»، به خواستگاه مشترک بشر (زن و مرد) اشاره می‌کند و اینکه همه انسان‌ها اصل و ریشه واحدی داشته و هرچند که واژه نفس مؤنث است، ولی جنس مؤنث و یا مذکر را به تنهایی دربر نمی‌گیرد؛ بلکه به نوع بشر اشاره دارد (Wadud, Quran and Woman, 1999, p.28).

از این رو منطق قرآن و اسلام، مخالف فرهنگ غرب در زمینه آفرینش و خلقت زن است.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز بنا بر مبانی قرآنی خود، این نوع نگاه حاکم بر فرهنگ غرب را که نگاه دست‌دومی به زن است و یکی از مبانی غرب در حوزه زنان است را به‌درستی تشخیص و تبیین کرده و می‌فرماید: «غربی‌ها در زمینه شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار افراط و تفریط بوده‌اند. اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. شما به شعارهایی که در غرب داده می‌شود، نگاه نکنید؛ این شعارها پوچ است و حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را از این شعارها نمی‌شود فهمید. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد. کسانی که با ادبیات اروپایی، با شعر اروپایی، با رمان و داستان و نمایشنامه‌های اروپایی آشنا هستند، می‌دانند که در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و بعد از آن تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه دوم بوده است! هر چه برخلاف این ادعا کنند، خلاف می‌گویند. شما به نمایشنامه‌های معروف شکسپیر انگلیسی نگاه کنید، ببینید با چه نفسی و با چه زبانی و با چه دیدی در این نمایشنامه‌ها و سایر ادبیات غربی به زن نگاه می‌شود! مرد در ادبیات غربی، سرور و ارباب زن و اختیاردار اوست، که بعضی از نمونه‌های این فرهنگ و آثار آن، امروز هم باقی است.» (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

همچنین می‌فرماید: «غربی‌ها در طول دو سه قرن اخیر، بر روی همه جنایات خود نام‌های زیبا گذاشتند. اگر قتل یا غارت کردند، یا ثروت‌های ملت‌ها را مصادره و دیگر جنایاتی که کردند، بر روی همه اینها نام‌های خوش‌ظاهر و فریبنده گذاشتند؛ نام آزادی‌طلبی، نام حقوق بشر، نام دموکراسی و امثال اینها. نام آزادی بر آنچه که جهت‌گیری فرهنگ غربی نسبت به زنان است، یک نام دروغین است؛ این آزادی نیست. اساس فرهنگ غرب این است که زن را به‌عنوان یک کالا، به‌عنوان یک وسیله تمتع برای مرد در جامعه عرضه بکند. تشویق و تحریص بر عریان‌گرایی به این جهت است.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که نگاه اسلام را در مقابل نگاه حاکم بر فرهنگ غرب دانسته، می‌فرماید: «یک مطلب اساسی، در مورد نگاه اسلام به جنس زن است. این نگاه، درست نقطه مقابل نگاهی است که فرهنگ غربی به جنس زن دارد. نگاه فرهنگ غربی به زن یک نگاه اهانت‌آمیز است ... نگاه غرب به زن، نگاهی است منحط، ناقص، گمراه‌کننده و غلط.» (همان). «غربی‌ها درباره جنس زن باید پاسخگو باشند؛ چون آنها به زن خیانت کردند. تمدن غربی به زن هیچ نداده است. اگر پیشرفت علمی، سیاسی و فکرای هم در زنان دیده می‌شود، مال خود زن‌هاست.» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۰۶/۳۰).



دو. تساوی در حقوق انسانی

از دیدگاه اسلام، زن و مرد در انسانیت، اصل واحد و مشترکی دارند. لذا از حقوق انسانی یکسانی نیز بهره‌مند هستند؛ اما از جهت آفرینش دارای تفاوت‌های جسمانی و روانی مختلفی هستند که به سبب این تفاوت‌ها وظایف و نقش‌های اجتماعی و خانوادگی آن دو نیز متفاوت شده است و این اختلاف در طبیعت انسانی موجب ناهمسانی در حقوق اجتماعی و خانوادگی آنها شده است؛ اما این ناهمسانی که امری طبیعی و بر اساس طبیعت آن دو است بر اساس مصالحی ایجاد شده است تا منجر به رشد خانواده و اجتماع شود که در نتیجه موجب کمال و سعادت آنها نیز هست، در واقع می‌توان گفت این اختلاف‌های جسمانی و روانی نه تنها موجب تضییع حقوق آن دو نیست؛ بلکه عدالت فردی رعایت شده است؛ زیرا هریک در حیطة مسئولیت‌های خود زمینه‌های ترقی و کمال را به‌طور یکسان دارا هستند.

در منطق قرآن نیز بدین تفاوت اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا ۖ وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء/ ۱۹)؛ «ای کسانی که گرویده‌اید بر شما حلال نیست که به زور زن‌ها را به ارث ببرید و بر آنان سخت مگیرید که برخی از آنچه را به ایشان داده‌اید بازپس گیرید، مگر آنکه کار بد آشکار نمایند، و خوش رفتاری با ایشان کنید، اگر آنان خوش آیندتان هستند پس باشد که چیزی را نپسندید و خدا در آن خیر بسیار گذاشته باشد.»
«این آیه مشتمل بر جمله ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...﴾ نیز هست که مضمونش اصلی قرآنی است، برای زندگی اجتماعی زن.» (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۸: ۴/ ۴۰۲).

این آیه درباره خوشرفتاری با زنان بوده و همچنین «این آیه شریفه نهی می‌کند از تنگ‌گرفتن بر زنان به هر نحوی که باشد تا به وسیله این سخت‌گیری‌ها او را ناچار کنند به بخشش مهریه خود و در نتیجه عقد نکاحش را فسخ کنند، و از تنگی معیشت نجاتش دهند، پس تنگ‌گرفتن به این منظور بر شوهر حرام است، مگر آنکه زن، فاحشه آشکار و زنایی آشکار مرتکب شود، که در این صورت شوهر می‌تواند بر او تنگ بگیرد، تا به وسیله پول‌گرفتن طلاقش دهد.» (همان: ۴۰۴).

«اختصاص بعضی طبقات و افراد به بعضی مختصات، با وحدت ریشه انسانی آنها منافات ندارد و خدای تعالی در کتاب کریمش بیان کرده است که مردم همگی و بدون استثنا چه مردان و چه زنان شاخه‌هایی از یک تنه درخت هستند، و اجزا و ابعاضی هستند برای طبیعت واحده بشریت، و مجتمع در تشکیل یافتن، محتاج به همه این اجزا است، همان مقدار که محتاج جنس مردان است، محتاج

جنس زنان خواهد بود، چنان‌که فرمود: «بعضکم من بغض» (همه از یکدیگرید) و این حکم عمومی منافات با این معنا ندارد که هریک از دو طایفه زن و مرد خصلتی مختص به خود داشته باشند، مثلاً نوع مردان دارای شدت و قوت باشند، و نوع زنان طبیعتاً دارای رأفت و عاطفه باشند، چون طبیعت انسانیت هم در حیات تکوینی و هم اجتماعی اش نیازمند به ابراز شدت و اظهار قوت است، و هم محتاج به اظهار مودت و رحمت است، همچنان‌که نیازمند به آن است که دیگران نسبت به او اظهار شدت و قوت کنند و هم اظهار محبت و رحمت کنند، و این دو خصلت دو مظهر از مظاهر جذب و دفع عمومی در مجتمع بشری است.» (همان: ۴۰۵)

بنابراین همچنان‌که افراد طایفه مردان با همه اختلافی که در شؤون طبیعی و اجتماعی خود دارند، بعضی قوی و عالم و زیرک و... و بعضی دیگر ضعیف و جاهل و کودن و... اند و تفاوت‌هایی دیگر از این قبیل دارند، در عین حال از نظر وزن و تأثیری که در ساختمان این مجتمع بشری دارند، متعادل‌اند. پس می‌توان گفت که آن حکمی است که طبق سنت فطرت تشکیل شده و عمل می‌کند و از آن منحرف نمی‌شود. اسلام نیز طبق آیه مورد بحث و دستورات دیگر خواسته است انحراف جامعه را برطرف کرده، به طرف همان سنت فطرت بکشد، بنابراین برای چنین جامعه‌ای هیچ چاره‌ای جز این نیست که حکم تسویه در معاشرت در آن جاری شود. به عبارت دیگر از آن به حریت اجتماعی و آزادی زنان و مردان تعبیر می‌شود. حقیقت آن این است که انسان به جهت اینکه انسان است دارای فکر و اراده و اختیار است و می‌تواند آنچه برایش سودمند است را با استقلال کامل انتخاب کند، و همین انسان وقتی وارد اجتماع می‌شود، در آن حال نیز اختیاری که مزاحم با سعادت مجتمع انسانی نباشد را دارد، و هیچ چیزی نمی‌تواند مانع این اختیار او شود که البته این معنا نیز منافات ندارد با اینکه بعضی از افراد از یک طبقه به علت مصالحی از برخی مزایا برخوردار و یا محروم باشند. مثلاً مردان در اسلام بتوانند قاضی و حاکم شوند، و به جهاد بروند، و بر آنها واجب باشد نفقه زنان را بدهند، و احکامی دیگر از این قبیل خاص آنان باشد، و زنان از آنها محروم باشند. پس همه این تفاوت‌ها خصوصیات احکامی است که متوجه طبقات و اشخاصی از مجتمع می‌شود که علتش اختلافی است که در وزن اجتماعی آنان است، در عین اینکه همه در اصل داشتن وزن انسانی و اجتماعی شریکند، چون ملاک در داشتن اصل وزن انسان بودن و دارای فکر و اراده بودن است، که در همه هست. البته این احکام اختصاصی مختص به شریعت مقدسه اسلام نیست؛ بلکه در تمامی قوانین مدنی و حتی در همه اجتماعاتی که برای خود سنتی دارند کم و بیش یافت می‌شود، هرچند که قانون نداشته باشند، و زندگیشان جنگلی باشد (همان: ۴۰۵ - ۴۰۷) لذا می‌توان گفت که «تشریح الهی و آسمانی به یک اندازه، زن و مرد را شامل می‌گردد.» (فقهی‌زاده و فضل‌الله، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، ۱۳۷۸: ۱۸).



اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز، حکایت‌گر این امر است که «خدای متعال در قرآن حدود تکریم زن را معین کرده است. زن پیش خدای متعال مثل مرد است ... در حقوق اجتماعی، فرقی بین زن و مرد نیست. در حقوق شخصی و فردی نیز بین آنها تفاوتی وجود ندارد.» (بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱).

«البتة وظایف متقابل زن و مرد نسبت به یکدیگر مختلف‌اند؛ اما تعادل وجود دارد. شارع مقدّس در قرآن در سوره بقره [می‌فرماید]: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره/۲۲۸)؛ آن مقداری که حق برای آنها هست، همان مقدار حق، علیه آنها هست؛ یعنی بر آنها هست. یک چیزی متعلّق به آنها است، به همان میزان یک چیزی متعلّق به طرف مقابل است؛ [یعنی] بر دوش آنها و تکلیف آنها است؛ یعنی هر وظیفه‌ای که به کسی محوّل شده، در قبالش یک حقی وجود دارد. هر امتیازی به هرکدام داده شده، در مقابلش یک وظیفه‌ای وجود دارد؛ تعادل کامل.» (بیانات در دیدار اقدار مختلف بانوان، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴).

معظم‌له در جای دیگری می‌فرمایند: «اسلام مرد را قوام، و زن را ریحانه می‌داند. این نه جسارت به زن است نه جسارت به مرد. نه نادیده‌گرفتن حق زن است و نه نادیده‌گرفتن حق مرد، بلکه درست‌دیدن طبیعت آنهاست. ترازوی آنها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در یک کفه می‌گذاریم، و این جنس مدیریت و کارکرد و محلّ اعتماد و اتکابودن و تکیه‌گاه بودن برای زن را هم در کفه دیگر ترازو می‌گذاریم، این دو کفه با هم برابر می‌شود. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن.» (حقوق متقابل زن و شوهر، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹).

همانگونه که در تبیین حدیث وارده در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «از نظر اسلام مرد موظّف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ» (شریف الرضی، نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۰۵)؛ زن گل است. این مربوط به میدان‌های سیاسی و اجتماعی و تحصیل علم و مبارزات گوناگون اجتماعی و سیاسی نیست؛ این مربوط به داخل خانواده است. «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (همان). این چشم و دید خطائینی را که گمان می‌کرد زن در داخل خانه موظّف به انجام خدمات است، پیغمبر با این بیان تخطئه کرده است. زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کرد. این نظر اسلام است. هم خصوصیت زنانگی زن که همه احساسات و خواسته‌های او بر اساس این خصوصیت زنانگی است، حفظ شده است، بر او تحمیل نشده است، از او خواسته نشده که درحالی که زن است، مثل مرد فکر و کار کند، مثل مرد بخواهد - یعنی خصوصیت زن بودن که یک خصوصیت طبیعی و فطری و محور همه احساسات و

تلاش‌های زنانه است، در دید اسلامی حفظ شده - هم درعین حال، میدان علم و معنویت و تقوا و سیاست، بر روی او باز شده است و او، هم به کسب علم تشویق شده، و هم به حضور در میدان‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی. آن وقت در داخل خانواده هم، به مرد گفته‌اند که حق تکلیف، تحمیل، زیاده‌روی، اعمال قدرت‌های جاهلانه و غیرقانونی ندارد. این، آن نگاه اسلامی است.» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۰۶/۳۰). از این رو حدیث مذکور نیز موجب تضييع حقوق زن نمی‌گردد. در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) و با ملاحظه تمام سخنان ایشان در حوزه زنان و حقوق آنان، می‌توان به صراحت دریافت که بین زن و مرد حقوقی برابر است که باید اختصاصات هر جنس را در آن لحاظ کرد، و این تفاوت جنسیت نیز لطمه‌ای و وجه تضعیفی نسبت به حقوق هریک از آنان بر دیگری نیست.

تطبیق و تحلیل دیدگاه غرب

در فرهنگ غرب، زنان در عرصه‌های مختلف، کمترین حقوق انسانی را نسبت به جایگاه واقعی خود دارند و دارای اختیارات ناچیزی هستند. همانگونه که روث راد (Ruth Roded) به‌گونه‌ای ناصواب در برداشت‌های خود از قرآن، نسبت به حقوق زن به خطا رفته و می‌نویسد: «ذکرشدن زنان در کنار یتیمان و کودکان در قرآن بر این دلالت دارد که زنان موجودات ضعیف اجتماعی شمرده می‌شوند که تهیه نیازهای زندگی آنان یک عمل اخلاقی و انسانی است... به‌رحال قوانین قرآنی ارث با آنکه برای زنان منبع درآمد حیاتی را تهیه می‌کند، همچنان انعکاس عینی و ملموس از موقعیت زیردستی و فروتری آنهاست.» (نوشین و اسکندرلو، «بررسی و نقد مقاله زنان و قرآن»، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

تحلیل انتقادی دیدگاه راد

نخست باید گفت که این انتقاد، بر اساس برداشتی ناقص و سطحی از آیات قرآن مطرح شده است. در نقد تحلیلی این جمله، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

نخستین نکته این است که راد، زنان را به‌عنوان گروه واحدی در نظر گرفته است. در واقع، زنان، طیف گسترده‌ای از توانایی‌ها و استعدادها را دارند. برخی زنان، قوی و مستقل هستند، درحالی‌که برخی دیگر، نیازمند حمایت هستند.

نکته دوم این است که راد، برخی آیات قرآن را به‌صورت گزینشی تفسیر کرده است. او آیاتی را که به ضعف و ناقص‌بودن زنان اشاره دارند، برجسته کرده است؛ اما آیاتی را که بر قدرت و برتری زنان تأکید دارند، نادیده گرفته است.



نکته سوم این است که وی، دیدگاه‌های خود را بر اساس ارزش‌های غربی شکل داده است. او معتقد است زنان باید مانند مردان، در همه زمینه‌ها برابر باشند. این دیدگاهی غربی است که لزوماً با دیدگاه قرآن سازگار نیست؛ اما بر اساس منابع اسلامی، می‌توان به نکات زیر نیز اشاره کرد که نشان می‌دهد دیدگاه رادد، با آیات قرآن سازگار نیست:

آیات قرآن، بر برابری زنان و مردان در برابر خداوند تأکید دارند. در قرآن آمده است: «ای مرد! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبایل قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست.» (حجرات/۱۳).

آیات قرآن، به نقش خاص زنان در خانواده و جامعه اشاره دارند: «زنان مایه آرامش و آسایش برای مردان هستند و مردان مایه آرامش و آسایش برای زنان هستند.» (روم/۲۱).

آیات قرآن به حقوق زنان در جامعه تأکید دارند: «ارث زنان، نصف ارث مردان است.» (نساء/۱۱). در مجموع می‌توان گفت که جمله رادد، انتقادی ناعادلانه و غیرمنصفانه به جایگاه زنان در قرآن است. این انتقاد بر اساس برداشتی ناقص و سطحی از آیات قرآن مطرح شده است.

درباره ذکر شدن زنان در کنار یتیمان و کودکان در قرآن، باید توجه داشت که این امر، به دلیل مسئولیت ویژه‌ای است که زنان درباره این گروه‌های آسیب‌پذیر دارند. زنان در جایگاه مادری، نقش مهمی در تربیت و حمایت از کودکان دارند. همچنین، زنان در جایگاه همسری، نقش مهمی در حمایت از همسران خود، به‌ویژه در صورت بیوه‌شدن یا طلاق، دارند.

درباره قوانین قرآنی ارث، باید توجه داشت که این قوانین، بر اساس نیازهای زنان و مردان در جامعه تعیین شده‌اند. زنان به دلیل نقش مهمی که در خانواده و جامعه دارند، نیاز به حمایت مالی دارند. قوانین قرآنی ارث، به زنان این امکان را می‌دهد تا از طریق ارث از نیازهای مالی خود و فرزندان خود تأمین کنند.

بنابراین، می‌توان گفت که ذکر شدن زنان در کنار یتیمان و کودکان در قرآن و قوانین قرآنی ارث، نشان‌دهنده جایگاه والای زنان در اسلام است. این امر برخلاف ادعای رادد، نشان می‌دهد که زنان موجودات ضعیف و فرودستی نیستند؛ بلکه موجوداتی قدرتمند و باارزش هستند که نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند.

سیمون دوبووار نیز در ترسیم حقوق زن در بین اعراب و آیین یهودیان می‌نویسد: «وقتی خانواده و ارث شخصی، به‌گونه‌ای تردیدناپذیر، اساس اجتماع باقی ماندند، زن نیز به‌طور کامل بیگانه از خود باقی می‌ماند. این امری است که در کشورهای عربی وجود دارد. ساختار این سرزمین‌ها، فئودالی

است؛ یعنی دولتی به اندازه کافی قوی در آنها پیدا نشده که قبیله‌های مختلف را متحد و مطیع کند. هیچ قدرتی به اقتدار پدرسالاری لطمه وارد نمی‌آورد. مذهب اعراب دوران جنگاوری و فتح، تحقیر کامل را متوجه زن می‌کرده است... یهودیان دوران تورات تقریباً همان آداب اعراب را دارند. پدرسالارها چند همسر اختیار می‌کنند و می‌توانند که زن‌های خود را تقریباً بنا بر هوس‌های خود رها کنند. به ضرب مجازات‌های سخت خواسته می‌شود که زوجه جوان، خود را بکر و دست‌نخورده، تسلیم شوهر کند؛ در صورت زناکاری، سنگسار می‌شود؛ زن به کارهای خانه محدودیت پذیرفته است.» (دوبووار، جنس دوم، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۴۰).

وی باتوجه‌به عادلانه ندانستن قانون ارث و اختیارات اندک زن در حقوق خانوادگی، جامعه این‌چینی را جامعه‌ای پدرسالارانه توصیف کرده که حقوق ازدواج و... برای زن رعایت نشده است و زن دارای کمترین حقوق و اختیارات اجتماعی است که محدود به کارهای خانه شده است (همان). بنابراین جایگاه موجود زن در فرهنگ غرب نیز متأثر از فرهنگ و آموزه‌های دینی نادرست یهود و مسیحیت است که مشترک با فرهنگ جاهلیت اعراب صدر اسلام بوده و این امر یکی از عوامل انحطاط جایگاه حقوقی زن در فرهنگ غرب است.

به نظر کاسیرر (Ernst Cassirer) در مخالفت با روسو متفکر فرانسوی درباره نظریه پدرسالارانه، که بیان می‌کند: هرچند روسو از مدافعان حفظ بنیان خانواده است؛ اما حقوق زن در خانواده را نادیده گرفته و مرد را ولی نعمت زن توصیف کرده است. کاسیرر با وجود ابراز مخالفت با دیدگاه روسو مبنی بر تجویز پدرسالاری در خانواده، از نظر روسو درباره حفظ خانواده دفاع می‌کند و غیرمستقیم نابرابری جایگاه زن و مرد را می‌پذیرد (مرتضوی و پاکزاد، «زبان، زنان و دوگانگی گفتمانی در اندیشه سیاسی روسو»، ۱۳۹۵: ۴۹-۷۴).

اندیشه حاکم بر اندیشمندان غربی، نگاه تحقیرآمیز به زن بوده و حقوق زن را در عرصه‌های مختلف، نادیده گرفته است، به‌گونه‌ای که گاهی اوقات وی را از حقوق اولیه انسانی خودش محروم می‌کند.

نبیا ابوت، نخستین استاد زن مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو نیز هرچند در ترسیم جایگاه زن در عصر پیامبر ﷺ و افزایش جایگاه وی نسبت به عصر جاهلیت، به ذکر مصادیق قرآنی مختلفی استناد جسته که گاهی خطای مصداقی داشته است؛ اما درست بیان نکرده است که محمد ﷺ در بهبود کلی جایگاه حقوقی زن عرب در زمان خود کمک کرده است؛ اما اختلاف نظر درخور توجهی درباره انگیزه ایشان وجود داشته است. لذا هرچند این سخن صحیح است که پیامبر اسلام ﷺ موقعیت و جایگاه زن را بهبود بخشید؛ اما وی انگیزه پیامبر ﷺ را بدین جهت دانسته است که در ابتدای بعثت به جهت نبود



تعدد زوجات و تک‌همسری، حقوقی را به زنان اختصاص داد، ولی بعد از تعدد زوجاتشان و عملکرد آنها و سرزنش اطرافیان ایشان، حقوق زنان را کاهش داد (Abbott, Women and the State in Early Islam, 1942, p.33)

نقد و تحلیل دیدگاه

این نظریه، با چالش‌های زیر مواجه است:

نبود شواهد کافی: ابوت برای اثبات ادعای خود، هیچ شواهد کافی ارائه نمی‌دهد. او صرفاً به این نکته اشاره می‌کند که پیامبر اسلام ﷺ در ابتدای بعثت، تک‌همسر بود و پس از آن، با زنان متعدد ازدواج کرد؛ اما این نکته، به‌تنهایی نمی‌تواند نشان دهد که پیامبر اسلام ﷺ انگیزه‌ای برای کاهش حقوق زنان داشته است.

تناقض با منابع اسلامی: برخی آیات و روایات اسلامی، بر برابری زنان و مردان تأکید دارند. برای مثال، در آیه ۱۳ سوره حجرات بدین امر اشاره شده است که نشان می‌دهد که خداوند، زنان و مردان را از نظر ارزش و کرامت برابر می‌داند.

بی‌توجهی به شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان پیامبر: ابوت، شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان پیامبر اسلام ﷺ را در نظر نمی‌گیرد. در آن زمان، زنان در جامعه عرب از حقوق و آزادی‌های بسیار محدودی برخوردار بودند. پیامبر اسلام ﷺ با اقدامات خود به بهبود جایگاه زنان در جامعه عرب کمک کرد؛ اما این اقدامات، همیشه با مخالفت‌های زیادی روبه‌رو بود. به همین دلیل، ممکن است پیامبر اسلام ﷺ در برخی موارد، مجبور شده باشد که از برخی حقوق زنان، چشم‌پوشی کند.

بنابراین استنتاج‌های نادرست خانم ابوت، منجر به معرفی نادرست جایگاه حقوقی زن در منابع اسلامی به جوامع غربی شده است که البته این استنتاج‌های نادرست گاهی به جهت باورها، مبانی و آموزه‌های نادرست آنان است نسبت به زن که در مواجهه با منابع اسلامی با همان پیش‌فرض‌های نادرست، اقدام به تفسیر و استخراج مبانی اسلام پیرامون جایگاه حقوقی زن در اسلام می‌کنند.

سه. تساوی در نظام ارزشی و هدایت‌پذیری

در اندیشه اسلام، ذات انسان بدون لحاظ جنسیت، توانایی تحصیل صفات نیک و بد را دارد و تفاوتی میان زن و مرد بودن، در کسب صفات نیکو برای رسیدن به رشد و تعالی نیست؛ بلکه «کمالات انسانی در سایه عبادت و اطاعت خداست، و اطاعت و عبادت بین زن و مرد مشترک است و طی نمودن این راه (راه تکامل) نیز مشترک است. به‌عنوان نمونه، دعاها و نیایش‌ها یکی از بهترین راه‌های تکامل

انسانی است؛ زیرا کمال هر انسان در این است که به خداوند که علم محض و هستی و قدرت صرف است، نزدیک شود و به اخلاق او متخلق شود، و راه تخلق به اخلاق الهی و تقرب به وی را عبادت‌ها و نیایش‌ها به عهده دارند. در این نیایش‌ها هیچ فرقی بین زن و مرد نیست، مهم‌ترین مناجات و دعا را برای زن‌ها و مرد‌ها یکسان تجویز و تعلیم کرده‌اند. بنابراین، در آنچه به نام کمال حقیقی است که مناجات‌ها، و دعاها، نیایش‌ها، عبادت‌ها و اطاعت‌ها ظهور کرده است - سهم زن و مرد یکسان است. (جواد آملی، جمال المرأة و جلالها، ۱۴۲۱: ۲۰۸). در قرآن کریم نیز، هدف نهایی خلقت و کمال انسانی را که عبادت خداوند است را برای زن و مرد به صورت یکسان بیان کرده، می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (زاریات/ ۵۶)؛ «و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریدم.» لذا در نظام ارزشی قرآنی و سیر هدایتی انسان‌ها به صورت مطلق، وعده و وعیدهای الهی و امر به تقوا در قرآن کریم، در جهت رسیدن به حد اعلا کمال انسانی و ایمانی، تفاوتی در جنسیت زن و مرد در رسیدن به این جایگاه بیان نشده است.

از جمله آیاتی که این اصل تساوی در هدایت‌پذیری و نظام ارزشی را بیان نموده‌اند، عبارتند از: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/ ۲۱)؛ که خطاب آیه به تمام انسان‌هاست، بدون در نظر گرفتن جنسیت آنان.

همچنین می‌فرماید: ﴿... مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (همان، ۶۲)؛ یا ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (فتح/ ۲۹)؛ که تحقق وعده‌های الهی همچون آموزش و اعطای پاداش و اجر عظیم را در پرتو ایمان و عمل صالحی دانسته است. برای هر یک از زنان و مردانی که دارای ایمان و عمل صالح باشند. همچنین ﴿مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (غافر/ ۴۰)؛ که جزا و پاداش عمل نیک و یا بد را به عامل آن که چه مرد باشد و یا زن، می‌دهند که در این آیه نیز اشاره‌ای به یکسان بودن زن و مرد در قبولی عمل کرده است (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۸: ۱۷/۴۰۵).

بنابراین، ازدیدگاه اسلام برابری زن و مرد از لحاظ کسب جایگاه معنوی و هدایت‌پذیری تأکید شده است. در این باره خداوند می‌فرماید: ﴿أَتَىٰ لَا أَضِيعَ عَمَلٍ مِمَّنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ مِنْ بَعْضِكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ تَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ﴾ (آل عمران/ ۱۹۵)؛ «یقیناً من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرند، تباه نمی‌کنم؛ پس کسانی که [برای



خدا] هجرت کردند، و از خانه‌هایشان رانده شدند، و در راه من آزار دیدند و جنگیدند و کشته شدند، قطعاً بدی‌هایشان را محو خواهم کرد و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، وارد می‌کنم [که] پاداشی است از سوی خدا و خداست که پاداش نیکو نزد اوست.»

آیه فوق همانند آیات بسیار دیگر از قرآن مجید، زن و مرد را در پیشگاه خدا و در وصول به مقامات معنوی در شرایط مشابه یکسان می‌شمارد و هرگز اختلاف جنسیت و تفاوت ساختمان جسمانی و به دنبال آن پاره‌ای از تفاوت‌ها در مسئولیت‌های اجتماعی را دلیل بر تفاوت میان این دو از نظر به دست آوردن تکامل انسانی نمی‌شمارد؛ بلکه هر دو را از این نظر کاملاً در یک سطح قرار می‌دهد و لذا آنها را با هم ذکر کرده است. این موضوع درست به آن می‌ماند که از نظر انضباط اداری یک نفر را به‌عنوان رئیس، انتخاب می‌کنند و دیگری را به‌عنوان معاون و یا عضو. رئیس باید توانایی بیشتر و یا تجربه و اطلاعات وسیع‌تری در کار خود داشته باشد، ولی این تفاوت و سلسله مراتب هرگز دلیل بر این نیست که شخصیت انسانی و ارزش وجودی رئیس از معاون یا کارمندانش بیشتر است.» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴-۱۳۷۳: ۲۲۳).

بسیاری از ملل پیشین حتی معتقد بودند که عبادات زن در پیشگاه خدا مقبول نیست. بسیاری از یونانی‌ها زن را موجودی پلید و از عمل شیطان می‌دانستند، رومی‌ها و بعضی از یونانی‌ها معتقد بودند که اصولاً زن دارای روح انسانی نیست و بنابراین روح انسانی منحصرراً در اختیار مردان است. البته تا قرون اخیر در بین علمای مسیحی در اسپانیا بحث بود که آیا زن مثل مرد، روح انسانی دارد و روح او بعد از مرگ جاودان خواهد ماند یا نه؟ و پس از مباحثی به اینجا رسیدند که چون روح زن برزخی است میان روح انسان و حیوان، جاویدان نیست به جز روح مریم، لذا روشن می‌شود که برخی که اسلام را متهم می‌کنند که اسلام دین مردها است نه زن‌ها، ادعایی بی‌اساس است (همان: ۲۲۴). هرچند که اگر در برخی از قوانین اسلام به علت تفاوت‌های جسمی و عاطفی که بین زن و مرد وجود دارد، تفاوت‌هایی از نظر مسئولیت‌های اجتماعی است که به‌هیچ‌وجه به ارزش معنوی زن لطمه‌ای وارد نمی‌کند، از این لحاظ زن و مرد با یکدیگر تفاوتی ندارند و درهای سعادت به‌طور یکسان بروی هر دو باز است.

در نتیجه می‌توان گفت که منابع اسلامی بیانگر این است که زن از جهت ماهیت انسانی، تفاوتی با مرد ندارد و وجود او فرعی و واسطه‌ای و در درجه دوم نیست؛ بلکه زن به‌عنوان انسان، مانند مرد خطاب شده است و شایستگی پذیرش دستورات هدایتی و تکاملی الهی را داراست؛ زیرا در اندیشه

اسلام، معیار جایگاه و ارزش افراد، جنسیت و مناصب دنیوی آنان نیست؛ بلکه تقوا، ایمان، عمل صالح و معرفت الهی، تعیین کننده جایگاه ارزشی آنان است و زن و یا مرد بودن تأثیری در رتبه بندی ارزشی انسان ها ندارد. بنابراین زن و مرد دارای امکانات یکسانی برای تحصیل مقامات معنوی و مراتب ایمانی دارند، و زن بودن، نمی تواند عاملی برای نقصان اخلاقی باشد. لذا زن نیز در کنار مرد می تواند مقامات رفیع معنوی را کسب کند.

آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) می فرمایند: «نگاه اسلام این است که زن و مرد از لحاظ ارزش های انسانی برابرند: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِمِينَ وَالْقَائِمَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ...﴾ (احزاب/۳۵) تا آخر؛ مرد مسلمان و زن مسلمان در مورد ارزش های الهی و انسانی هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. وظایف مشترکی همچون وظیفه امر به معروف، خدمت و جهاد فی سبیل الله [که برای] هر کدام به نوعی اشتراک وجود دارد که مربوط به مرد یا زن نیست. البته هر کدام هم وظایف ویژه ای دارند که خدای متعال به خاطر اداء همین وظایف ویژه، ترکیب ساختمان جسمی و روحی آنها را هم متناسب با آن وظیفه بنا کرده و خلق کرده. بنابراین این نگاه اسلام و نگاه جمهوری اسلامی به زن است، و ما به این نگاه افتخار می کنیم؛ ما سرتاپا اعتراض به منطق غربی و روش غربی و سبک زندگی غربی در مورد زنیم؛ معتقدیم آنها به زن دارند ظلم می کنند.» (بیانات در ارتباط تصویری با مداحان، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵).

در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، زن در هدایت پذیری و ارزش انسانی نسبت به مردان جایگاه پایین تری ندارند؛ بلکه در طول تاریخ و بنا بر منطق قرآنی، زن ها حتی می توانند به چنان جایگاه والایی برسند که الگوی زنان هم عصر خود و حتی زنان عالم قرار بگیرند. از این رو ایشان می فرمایند: «قرآن دو زن را الگو قرار می دهد برای همه انسان های مؤمن؛ اعم از زن و مرد؛ یعنی اگر همه مردان عالم می خواهند مؤمن باشند، الگویشان دو زن هستند: یکی زن فرعون، یکی حضرت مریم. ﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ﴾ (تحریم/۱۱)؛ در اوج نجابت و عفت؛ همان خانمی که موجب شد وقتی موسی را از آب گرفتند، به قتل نرسانند؛ ﴿لَا تَقْتُلُوهُ﴾ (قصص/۹)؛ [گفت] او را نکشید؛ بعد هم ایمان آورد به حضرت موسی، بعد هم زیر شکنجه به قتل رسید. این الگو است. [و الگوی دیگر] «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ» که حالا در مورد حضرت مریم علیها السلام ﴿الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا﴾ (تحریم/۱۲)؛ که عفت خودش را حفظ کرد» (بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴).



تطبیق و تحلیل دیدگاه غرب

همان گونه که بیان شد نگاه حاکم در فرهنگ غرب نسبت به نظام ارزشی زن، به عنوان موجودی دست دوم و واسطه ای بوده که سابقه ای تاریخی داشته و متأثر از آموزه های ادیان پیشین بوده است. لذا برتراند راسل دیدگاهش درباره زن را این گونه بیان می کند: «زن به صورت دروازه جهنم و ام الفساد جلوه کرد، لذا باید از فکر زن بودن خویش شرمنده باشد و به علت لعنتی که به این جهان آورده، مدام باید در توبه و نوحه به سر برد و از لباس خود شرمنده باشد؛ زیرا یادگار سقوط اوست. از زیبایی خویش هم باید شرمنده باشد؛ زیرا قوی ترین ابزار شیطان است.» (راسل، زناشویی و اخلاق، ۱۳۸۷: ۳۸).

سیمون دوبووار نیز می نویسد: عالیجناب اوگوستن قدیس می گفت: زن حیوانی است که نه استحکام رأی دارد و نه استواری. زن از بدی تغذیه می کند و سرآغاز همه دعاوی و مخالفت هاست و راه و طریق هرگونه فساد اخلاق است... لذا تمام قوانین اروپایی بر اساس حقوق کلیسایی، حقوق رم و حقوق ژرمن که همه برای زن نامطلوبند، تدوین شده اند. تمام کشورها مالکیت خصوصی و خانواده را به رسمیت شناخته اند و از خواسته های این نهادها تبعیت می کنند (دوبووار، جنس دوم، ۱۳۸۵: ۱۶۸-۱۷۰).

وی می نویسد: «در سال ۱۷۴۴ نویسنده «جدل درباره روح زن» در آمستردام اعلام کرد: «زنی که منحصرأ برای مرد خلق شده باشد، در پایان جهان دیگر وجود نخواهد داشت؛ زیرا برای موضوعی که خلق شده دیگر مفید نخواهد بود و از این امر چنین نتیجه گرفته می شود که روح او جاودانه نیست.» (همان: ۱۸۵).

همچنین جوزف تلوشکین، خاخام آمریکایی می نویسد: «در دین یهود دستورات دینی که برای مردان در نظر گرفته شده، بیشتر از زنان است و بدین جهت مردان شایستگی بیشتری دارند؛ زیرا دستورات دینی بیشتری برای آنها در نظر گرفته شده است (Telushkin, Biblical Literacy: The Most Important People Events, and Ideas of the Hebrew Bible, 1997, p. 403).

باتوجه به افول نقش و جایگاه زن در غرب، عده ای که به ظاهر در تلاش برای بازگرداندن جایگاه زن بودند، مدعی بودند که «از بین بردن کیش خدای مؤنث، بخشی از ارزش زدایی از زنان در فرهنگ عمومی بود. مری دیلی نیز در آثارش توصیف می کند که چگونه مسیحیت با تبدیل نمادهای زنانه به مردانه، کیش خدای مؤنث آغازین را تکه تکه کرد. به نظر وی، پرستش خدای پدر، فرافکنی جهان بینی بشری مردم محور به قلمرو ابدیت است. او جامعه های مردسالار غرب را متهم کرد که خدا را شبیه خود می سازند. دیلی به تغییر و دگرگونی امیدوار بود، ولی خود به دلیل دشمنی پایان ناپذیر مذهب با زنان از

آن دست کشید.» (تاجور و پورطهماسبی، «بررسی تطبیقی منزلت زن در الهیات فمینیستی و اسلام (مهدویت)»، ۱۳۸۸: ۳۵). از این رو برای زن جایگاه الهیاتی بالایی قائل بودند، هر چند که آنها نیز در خطا بودند؛ ولی برای بازگرداندن جایگاه زن خطایی دیگر مرتکب شدند، به گونه‌ای که به نظر دین‌شناسان فمینیست، مؤنث کردن خدا یکی از راه‌های برگرداندن جایگاه زن است. آنان تلاش کردند در زبان نیز واژه خدا را عوض کرده، آن را از شکل پدری خارج کنند. آنها بر این باورند نمادهای خدای مؤنث هنوز هم می‌تواند با مردسالاری سرکوب‌گر دین‌های موجود، نبرد کند.» (همان).

هر چند که برخی از عالمان شیعی معتقدند، این جنبش‌های نوظهور نیز نه تنها در جهت بازگردانی شخصیت واقعی زن نبوده است؛ بلکه به عکس در جهت تخریب بیشتر جایگاه زن و بهره‌وری از وی بوده است. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در این زمینه می‌فرماید: «فمینیست‌های افراطی هم - که خب، لایه‌های متعددی دارند - من حیث لایشعر دارند به زن ضربه می‌زنند. حالا من حیث لایشعر که می‌گوئیم، نگاه خوش‌بینانه است - یعنی این‌هائی که دست‌اندرکارند، ظاهراً نمی‌فهمند چه کار دارند می‌کنند - احتمال دارد سیاست‌گذارانی، برنامه‌ریزانی در پشت صحنه هستند که آنها می‌فهمند دارند چه کار می‌کنند؛ کم‌اینکه این احتمال در همان پروتکل‌های صهیونیسم کاملاً پیش‌بینی شده؛ یعنی ضایع کردن جنس زن و او را مظهري برای استفاده شهوانی مرد قراردادن، در مواد آن پروتکل‌ها هست.» (بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

با اینکه مستشرق آمریکایی روث رادد در بخشی از مقاله خود «زنان و قرآن» (Woman and the Quran) در دایرةالمعارف قرآن (EQ)، می‌نویسد: در قلمرو معنویات، زنان و مردان در پیشگاه خداوند جایگاه یکسان و وظایف مذهبی مشابه دارند. تعداد زیادی از آیات قرآن زنان و مردان مؤمن و از سوی دیگر زنان و مردان منافق و بت‌پرست را خطاب کرده است ... لذا انسان‌ها مانند دیگر مخلوقات زوج آفریده شده‌اند (نساء/ ۱۸۹؛ اعراف/ ۱۱؛ و...). بنابراین به هر دو هشدار داده شده است تا به خدای یکتا ایمان آورند و برای رسیدن به بهشت کار نیک انجام دهند. پرداختن انفاق و صدقات، به خصوص از هر دو خواسته شده است و علاوه بر رأی دادن زنان به پیامبر در آیه ۱۲ ممتحنه، بیان شده است که زنان مؤمن و پرهیزگار مثل مردان به بهشت خواهند رفت، در حالی که گناهکاران در دوزخ عذاب خواهند شد؛ اما بعد از نوشتن این سطور متأسفانه در استنتاج خود به خطا رفته و می‌نویسد: مفهوم زن در قرآن بی‌گمان نمادی از موجودی ضعیف، ناقص (عیب‌دار) و منفعل است. (Roded, "Woman and the Quran." Encyclopedia of the Qur'an, 2005, p. 524).



تحلیل دیدگاه

پاسخ به این دیدگاه در سطور قبلی گذشت؛ اما نکته درخور تأمل دیگر این است که به کارگیری واژگانی همچون ناقص و ضعیف و... توسط برخی از مستشرقان که در تعریف زن بیان می‌دارند، دارای بار منفی بوده و با حقیقت جایگاه زن در تنافی است. بنابراین سیاه‌نمایی‌های مختلفی که در جوامع غربی درباره جایگاه زن به وجود آمده، همچون نگاه دست‌دومی به زن که برخلاف اسلام، زن را موجودی دانسته‌اند که قابلیت رشد و ترقی معنوی و روحی نداشته و بلکه برخی آن را موجودی شوم دانسته‌اند را می‌توان در فرهنگ کنونی غرب مشاهده کرد و در نوع به کارگیری واژگان و نوع برخورد با زن کاملاً آشکار است.

در این رهگذر اسلام‌پژوهان مختلفی با نگاه منصفانه، الگوی اسلام و قرآن را نسبت به زن به درستی تبیین کرده‌اند، همان‌گونه که آمنة و دود نیز در این زمینه در ضمن بحث جهنم به طور منصفانه اظهار نظر کرده است و می‌نویسد: در توصیفات قرآن از جهنم و عذاب‌های دردناک آن برای افراد، هیچ‌گونه تمایز جنسیتی (مرد یا زن بودن) فرض نشده است (Wadud, Quran and Woman, 1999,p. 59).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز در تبیین نگاه ارزشی تمدن غرب به زن می‌فرمایند: «نظام سرمایه‌داری غرب یک نظام مردسالار است؛ یعنی آن چیزی که آنها نسبت به اسلام می‌گویند و غلط می‌کنند و خلاف واقع می‌گویند، عیناً در مورد خودشان صادق است؛ چرا؟ ریشه این نگاه هم این است که در نظام سرمایه‌داری، سرمایه بالاتر از انسانیت است؛ و انسان‌ها در خدمت سرمایه قرار می‌گیرند... نتیجه این نگاه مردسالاری چه شد؟ وقتی که مرد در تمدن غربی، جنس برتر است و تمدن، تمدن مردسالار است، نتیجه این است که زن سعی می‌کند الگوی خودش را مرد قرار بدهد و مرد می‌شود الگوی زن؛ زن دنبال کارهای مردانه حرکت می‌کند؛ نتیجه این است... آیه شریفه نیز می‌فرماید: ﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ﴾؛ برای کفار، دو زن الگو هستند؛ دو زن کافر، نمونه و الگوی زنان کافرند: زن نوح و زن لوط که اینها به شوهرهایشان خیانت کردند. ﴿فَلَمَّ يُعْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ سَبِيئًا﴾ (تحریم/ ۱۰)؛ شوهرها با اینکه پیغمبر بودند، دیگر به درد اینها نمی‌خورند، فایده‌ای برایشان ندارند.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴/۱۰/۱۴۰۱). این آیه نیز بر همین حقیقت اشاره دارد. بنابراین برخلاف دیدگاه‌های نادرست حاکم بر فرهنگ غرب نسبت به زن، دین اسلام زن را موجودی دانسته است که دوشادوش مرد، توانایی ترقی و تکامل معنوی را دارد، همان‌گونه که الگوهایی همچون حضرت مریم و... را در قرآن معرفی می‌کند. زنان در اسلام، برابر با مردان

هستند. آنها از نظر انسانیت، کرامت و ارزش، هیچ تفاوتی با مردان ندارند. زنان در همه زمینه‌ها، حق و حقوق برابر با مردان دارند. این حقوق، شامل حق تحصیل، کار، مالکیت و مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی می‌شود. بنابراین اسلام، نقش مهمی در بهبود جایگاه زن در جامعه ایفا کرده است. این دین به زنان حقوق و آزادی‌های زیادی داده است که در گذشته از آنها محروم بودند. اسلام به زنان این امکان را داده است تا به رشد و تعالی برسند و نقش مهمی در جامعه ایفا کنند.

نتیجه

این مقاله به بررسی و تبیین تحلیلی جایگاه ارزشی زن در اسلام و فرهنگ غرب با تکیه بر آراء برخی از مستشرقان و اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» انجام گرفته است. با توجه به اهمیت تبیین و تحلیل تطبیقی جایگاه ارزشی زن در اسلام و فرهنگ غرب (با تکیه بر آراء برخی مستشرقان و اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی»)، هدف این پژوهش در احیای جایگاه واقعی زن در جوامع بشری و بررسی و نقد دیدگاه‌های نادرست اندیشمندان غربی و تبیین دیدگاه واقعی اسلام بوده است. لذا این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است و یافته‌هایی داشته است از جمله: ۱. تساوی و برابری در اصل و خلقت؛ ۲. تساوی در حقوق انسانی؛ ۳. تساوی در نظام ارزشی و هدایت‌پذیری.

با بررسی منابع اسلامی درباره جایگاه زن در اسلام و اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» و تطبیق تحلیلی آن با فرهنگ غرب، به این نتیجه می‌رسیم که اسلام زن را موجودی دارای کرامت و ارزش ذاتی می‌داند و زن و مرد، دو موجودی هستند که هرکدام توانایی رسیدن به کرامات اخلاقی به‌طور یکسان را دارند و برداشت‌های نادرست از منابع اسلامی توسط برخی از غربیان و تطبیق منابع اسلامی با منابع غیراسلامی و لحاظ نکردن مبانی اسلام، از آسیب‌های مطالعات غربیان و اظهارنظرهای آنان نسبت به زن بوده است که با بررسی منابع اسلامی به آنان پاسخ داده شده است.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن حزم، علی بن احمد، ترکمانی، عبدالحق بن ملاحق، حجة الوداع، دار ابن حزم، بیروت: ۱۴۲۹.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، دار الفکر، بیروت: ۱۴۰۸.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۵. احمدی بیغش، خدیجه؛ ارزیابی جایگاه حقوقی زن در کنوانسیون های بین المللی بر اساس تفسیر تسنیم، مطالعات تفسیر تطبیقی ۴(۸)، ۶۸-۵۱، ۱۳۹۸.
۶. تاجور، آذر؛ پورطهماسبی، سیاوش، «بررسی تطبیقی منزلت زن در الهیات فمینیستی و اسلام (مهدویت)» طهورا، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
۷. جوادی آملی، عبدالله، جمال المرأة و جلالها، دار الهادی، بیروت: ۱۴۲۱.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی، آرشیو بیانات رهبری، www.khamenei.ir
۹. خامنه‌ای، علی؛ بانکی پورفرد، امیرحسین، الگوی زن، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۹۸ ش.
۱۰. دوبووار، سیمون، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، نشر توس، تهران: ۱۳۸۵.
۱۱. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم طاهری، چاپ ۴، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۷۳ ش.
۱۲. دورانت، ویل، لذات فلسفه، ترجمه: عباس زریاب خونی، چاپ ۱۸، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۸۵.
۱۳. راسل، برتراند، زناشویی و اخلاق، ترجمه: ابراهیم یونسی، نشر اندیشه، تهران: ۱۳۸۷ ش.
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر، فروغ ابدیت. بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۵ ش.
۱۵. سخایی، سیده‌مژگان، «ریشه‌یابی بحران زنان در غرب با تکیه بر آموزه‌های کتاب مقدس»، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۴، شماره ۵۳، آذر ۱۳۹۰ ش.
۱۶. سید قطب، فی ظلال القرآن، دار الشروق، بیروت: ۱۴۰۸.
۱۷. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تحقیق صالح، صبحی، مؤسسة دار الهجرة، قم: ۱۴۱۴.

۱۸. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۳۷۸ش.
۱۹. فقهی زاده، عبدالهادی؛ فضل الله، محمدحسین، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، دادگستر، تهران: ۱۳۷۸.
۲۰. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، چاپ ۳، چاپخانه علمی، طهران: ۱۳۱۸ش.
۲۱. مرتضوی، سیدخدایار؛ پاکزاد، شهیندخت، «زبان، زنان و دوگانگی گفتمانی در اندیشه سیاسی روسو»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره نهم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۵ش.
۲۲. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، تهران: بی تا.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامية، تهران: ۱۳۷۴-۱۳۷۳ش.
۲۴. نوشین، مریم؛ اسکندرلو، محمدجواد، «بررسی و نقد مقاله زنان و قرآن»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش.
25. Abbott, Nabia, " Women and the State in Early Islam ", Journal of Near Eastern Studies, Vol. 1, No. 1 (Jan. 1942), pp. 106 – 126, Published by: The University of Chicago Press.
26. Company p: 403.
27. Roded, Ruth. "Woman and the Quran." Encyclopedia of the Qur'ān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Brill, 2005, vol. 6, pp. 565 – 575.
28. Telushkin, Joseph, 1997. Biblical Literacy: The Most Important People Events, and Ideas of the Hebrew Bible, New York, William Morrow and.
29. Wadud, Amina, (1999), Quran and Woman, New York, Oxford university press



Resources

- Quran – e – Karim (Th Holy Quran)*, Rezaei Esfahani, Mohammad Ali and A Group of Professors from Al-Mustafa University, *Quran-e Karim (The Noble Qur'an)*, Al-Mustafa Publications, Qom: 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
1. Abbott, Nabia, “ *Women and the State in Early Islam* “, Journal of Near Eastern Studies, Vol. 1, No. 1 (Jan. 1942), pp. 106 - 126, Published by: The University of Chicago Press.
 2. Ahmadi Beighesh, Khadijeh (1398 SH / 2019 CE). Arzyabi Jaygah-e Hoquqie Zan dar Konvensiyonha-ye Bein al-Melali Bar Asas-e Tafsir-e Tasnim (Evaluation of the Legal Status of Women in International Conventions Based on the Interpretation of Tasnim). Motale'at-e Tafsir-e Tatbiqi (Comparative Interpretation Studies), 4(8), 51-68.
 3. de Beauvoir, Simone, *Jense Dovvom (Le Deuxième Sexe: The Second Gender)*, Translated by Qaism San'avi, Tehran: Tous Publishing, 1385 SH (2006 CE).
 4. Durant, Will, *Lazzat-e Falsafeh (The Pleasures of Philosophy)*, Translated by Abbas Zaryab Khoei, Tehran: Scientific and Cultural Publishing, 18th Edition, 1385 SH (2006 CE).
 5. Durant, Will, *Tarikh-e Tamaddon (The Story of Civilization)*, Translated by Abul Qasim Tahiri, Tehran: Scientific and Cultural Publishing, 4th Edition, 1373 SH (1994 CE).
 6. Faqihzadeh, Abdul Hadi; Fazlullah, Mohammad Hussein, *Nakhsh va Jaygah-e Zan dar Hoquq-e Eslami (The Role and Position of Women in Islamic Law)*, Tehran: Dadgostar, 1378 SH (1999 CE).
 7. Ibn Ashur, Muhammad Ibn Tahir, *At-Tahrir wa't-Tanwir (The Editing and Illumination)*, Beirut: Arab History Institute, 1420 AH (1999 CE).
 8. Ibn Hazm, Ali Bin Ahmad; Turkmani, Abdul Haq Bin Mullah Haq, *Hujjat al-Wada'a (The Last Hajj)*, Dar Ibn Hazm, Beirut: 1429 AH (2008 CE).
 9. Ibn Khaldun, Abdul Rahman Bin Mohammad, *Tarikh Ibn Khaldun (The History of Ibn Khaldun)*, Dar al-Fikr, Beirut: 1408 AH (1988 CE).
 10. Javadi Amoli, Abdullah, *Jamal al-Mar'ah wa Jalalah (The Beauty and Dignity of Woman)*, Beirut: Dar al-Hadi, 1421 AH (2000 CE).
 11. Khamenei, Ali; Banki Poorfard, Amir Hossein, *Olgoye Zan (The Woman's Role-Model)*, Tehran: Islamic Revolution Cultural-Research Institute, 1398 SH (2019 CE).
 12. Le Bun, Gustave, *Tarikh-e Tamaddon-e Eslami va Arab (The History of Islamic and Arab Civilization)*, Translated by Mohammad Taqi Fakhr Daiy Gilani, Tehran: Scientific Press, 3rd Edition, 1318 SH (1939 CE).
 13. Makarem Shirazi, Naser et al., *Tafsir Nemouneh (The Exemplary Interpretation)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1373-1374 SH (1994-1995 CE).
 14. Mortezaei, Seyyed Khodayar; Pakzad, Shahindokht, “*Zaban, Zanan va Dogangi-e Goftamani dar Andishe-ye Siyasi-ye Rousseau*” (Language, Women, and Discursive Duality in Rousseau's Political Thought), Interdisciplinary Studies in Humanities, Vol. 9, No. 1, Winter 1395 SH (2017 CE).

15. Motahhari, Morteza, *Nizam-e Hoquq-e Zan dar Eslam (The System of Women's Rights in Islam)*, Tehran: Sadra, n.d.
16. Nooshin, Maryam; Eskandarloo, Mohammad Javad, "Barresi va Naghd-e Maqaleh-ye Zanan va Quran" (Review and Critique of the Article of Women and Quran), *Journal of Orientalists' Quranic Studies*, No. 5, Fall and Winter 1387 SH (2008 CE).
17. Roded, Ruth, "Woman and the Quran." *Encyclopedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Brill, 2005, vol. 6, pp. 565 - 575.
18. Russell, Bertrand, *Zanashuyi va Akhlaq (Marriage and Morals)*, Translated by Ibrahim Yunusi, Tehran: Andisheh Publications, 1387 SH (2008 CE).
19. Sakhaai, Seyedeh Mozghan, "Reshayab-e Bahran-e Zanan dar Gharb ba Takeh bar Amouzehay-e Ketab-e Moqaddas" (Rooting the Crisis of Women in the West with Emphasis on the Teachings of the Holy Book), *Strategic Studies of Women*, Vol. 14, No. 53, Azar 1390 SH (2011 CE).
20. Sayyid Qutb, *Fi Zillal al-Quran (In the Shade of the Quran)*, Beirut: Dar ash-Shorouk, 1408 AH.
21. Sharif Razi, Muhammad Ibn Hussein, *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Edited by Sobhi Saleh, Qom: Dar al-Hijra, 1414 AH.
22. Sobhani Tabrizi, Jafar, *Forough-e Abaditat (The Eternal Illumination)*, Bostan Ketab, Qom: 1385 SH (2006 CE).
23. Tabatabai, Muhammad Hussein, *Tarjomeh-ye Tafsir al-Mizan (Translation of the Interpretation of the Balance)*, Translated by Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Qom: Society of Seminary Teachers, 1378 SH (1999 CE).
24. Tajour, Azar; Pourtahmasbi, Siavash, "Barresi-e Tatbiqi-ye Manzelat-e Zan dar Elahiat-e Feministi va Eslam (Mehdiviyat)" (A Comparative Study of the Status of Women in Feminist Theology and Islam (Mahdism)), *Tahura*, No. 3, Spring and Summer 1388 SH (2009 CE).
25. Telushkin, Joseph, 1997, *Biblical Literacy: The Most Important People Events, and Ideas of the Hebrew Bible*, New York, William Morrow and.
26. Wadud, Amina, (1999), *Quran and Woman*, New York, Oxford University Press
27. Khamenei, Ali, *Archive of Leader's Statements*: www.khamenei.ir